



فصل نامهٔ تحلیلی-انتقادی حوزه • شماره بیست و یکم • تابستان ۱۴۰۲

## کاربرد قرآن در فقه آیت‌الله العظمی میلانی قدس سره؛ تحلیل رویکرد تفسیری



محمد بهرامی  
(عضو هیئت‌علمی پژوهشکده اسلام تمدنی)

قرآن کریم به‌عنوان نخستین منبع تشریح، همواره جایگاهی اساسی در فقه شیعه داشته است، اما فقها در میزان و شیوه بهره‌گیری از آن اختلاف دارند. این پژوهش با هدف بررسی کاربرد قرآن در فقه آیت‌الله سید محمدهادی میلانی (۱۳۷۳-۱۳۵۴ش)، به تحلیل رویکرد تفسیری ایشان در استنباط احکام شرعی می‌پردازد. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی است و داده‌ها بیشتر از آثار فقهی آیت‌الله میلانی، به‌ویژه کتاب محاضرات فی الفقه الجعفری، استخراج شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد آیت‌الله میلانی با تأکید بر حجیت ظواهر آیات، توجه به سیاق و شأن نزول، تطبیق ساخت‌یافته آیات با روایات، و ترکیب قرآن و سنت، الگویی فعال و متوازن برای استنباط فقهی از قرآن ارائه داده‌اند. این رویکرد، زمینه‌ساز بازگشت آگاهانه به متن قرآن در فقه معاصر شیعه است.

## مقدمه

قرآن کریم، به‌عنوان نخستین و اصیل‌ترین منبع تشریح در فقه شیعه، جایگاهی محوری در استنباط احکام شرعی دارد، اما میزان و شیوه بهره‌گیری فقها از این منبع الهی در فرایند اجتهاد یکسان نبوده است. شماری با تأکید بر روایات، نقش قرآن را به تأیید یا تکمیل سنت محدود ساخته‌اند و گروهی با تلاش بسیار به دنبال برجسته‌سازی ظرفیت مستقل قرآن در تولید احکام فقهی بوده‌اند، هرچند اغلب در ارائه چارچوبی نظاممند و قرآن‌محور توفیق نداشته‌اند.

در این میان، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی (۱۳۵۴-۱۴۲۳ش) با ارائه رویکردی متمایز در بهره‌گیری از قرآن، گامی بلند در فعال‌سازی ظرفیت‌های تفسیری این کتاب الهی در استنباط فقهی برداشته است. ایشان با تأکید بر حجیت ظواهر آیات، تحلیل سیاق و شأن نزول، و تطبیق ساختاری آیات با روایات معصومین علیهم‌السلام، الگویی نوآورانه و متوازن عرضه داشته‌اند که ضمن وفاداری به سنت فقهی امامیه، قرآن را به محور اصلی استنباط تبدیل می‌کند. با این حال، رویکرد تفسیری ایشان به صورت نظاممند و با تمرکز بر مؤلفه‌های روش‌شناختی کمتر بررسی شده است و در این زمینه خلأ پژوهشی وجود دارد.

این پژوهش با هدف تبیین رویکرد تفسیری آیت‌الله میلانی در کاربرد قرآن در فقه شیعه، می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد:

آیت‌الله میلانی چه رویکردی در استنباط فقهی از قرآن داشته‌اند و ویژگی‌های روش تفسیری ایشان چیست؟ برای این منظور، شاخص‌های روش‌شناختی ایشان، از جمله حجیت ظواهر، سیاق‌گرایی و ترکیب قرآن و سنت، تحلیل و با نمونه‌های کاربردی از استنباط‌های فقهی ایشان در ابواب مختلف (نماز، زکات، حج، معاملات، حدود) پشتیبانی می‌شود. این مقاله، با ارائه تحلیلی نظاممند، الگویی برای احیای نقش قرآن در اجتهاد معاصر ارائه می‌دهد و به تقویت فقه قرآن‌محور در مواجهه با مسائل نوین کمک می‌کند.

## پیشینه پژوهش

نقش قرآن کریم در استنباط فقهی، همواره یکی از محورهای اصلی در مطالعات فقهی شیعه بوده است و پژوهشگران متعددی به بررسی جایگاه آن در منظومه اجتهادی فقها پرداخته‌اند. در این زمینه، آثاری چون اصول فقه مرحوم مظفر، با تبیین مبانی اصولی مانند حجیت ظواهر و نسبت قرآن و سنت، چارچوب نظری بهره‌گیری از قرآن را ترسیم کرده‌اند.<sup>۱</sup> آیت‌الله جعفر سبحانی نیز در الطاف الرحمن فی فقه القرآن، با نقد رویکردهای حدیث‌محور، بر اصالت تشریحی قرآن تأکید ورزیده‌اند و آن را معیار سنجش روایات دانسته‌اند.<sup>۲</sup> آیت‌الله محمد یزدی نیز در فقه القرآن، با تمرکز بر موضوعات فقهی در چهار حوزه عبادات، حکومت، معاملات و اجتماعیات، کوشیده است به فقه قرآنی انسجام بخشد.<sup>۳</sup>

الگویی کارآمد برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های قرآنی در فقه معاصر شیعه ارائه دهد.

### روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و در بخشی از فرایند تحلیل، از مقایسه تطبیقی نیز برای شناسایی تمایزهای رویکردی استفاده شده است. هدف اصلی، بررسی ساختار و شاخص‌های رویکرد تفسیری آیت‌الله میلانی در کاربرد قرآن در فقه و تبیین ابعاد روش‌شناختی این رویکرد در مقایسه با دیگر فقهای برجسته معاصر است. گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و از طریق مطالعه منابع اسنادی صورت گرفته است. منابع اصلی دربردارنده آثار فقهی آیت‌الله میلانی، به‌ویژه مجموعه محاضرات فی الفقه الجعفری و تقریرات دروس خارج فقه ایشان است.

فرایند تحلیل داده‌ها بر پایه روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی طراحی شده و در سه مرحله سامان یافته است:

در مرحله نخست، متون فقهی آیت‌الله میلانی بررسی شد و مستندسازی‌های صریح و ضمنی به آیات، تحلیل سیاقی آیات و تطبیق آیات با روایات، استخراج گردید.

در مرحله دوم، مؤلفه‌های

در حوزه روش‌شناسی فقه‌های شیعه، آثار تحلیلی متعددی به مطالعه رویکرد اجتهادی فقهایی چون شیخ انصاری و آیت‌الله خویی پرداخته‌اند. از جمله، آیت‌الله معرفت در التفسیر و المفسرون نشان داده است که این دسته از فقها، با وجود استفاده از قرآن، نقشی تعیین‌کننده برای روایات قائل بوده‌اند.<sup>۴</sup> همچنین، علامه طباطبایی در تفسیر گران‌سنگ المیزان فی تفسیر القرآن، با تکیه بر سیاق‌گرایی و تفسیر قرآن به قرآن، الگویی تفسیری ارائه داده است که خارج از دایره استنباط فقهی مستقیم قرار می‌گیرد.<sup>۵</sup>

با وجود گستردگی این پژوهش‌ها، بررسی اختصاصی و سیستمی درباره کاربرد قرآن در فقه آیت‌الله میلانی صورت نگرفته

است. هرچند در آثاری مانند زندگی‌نامه ایشان، به جایگاه علمی و مرجعیت فقهی وی اشاره شده است، اما رویکرد تفسیری ایشان در فرآیند استنباط، به‌ویژه مؤلفه‌هایی مانند حجیت ظواهر، تحلیل سیاق، و تطبیق با روایات همچنان مهجور مانده است. بر این اساس، نوشتار پیش‌رو با هدف پر کردن خلأ یادشده، به تحلیل ساختارمند رویکرد تفسیری آیت‌الله میلانی در کاربرد قرآن در فقه پردازد و

آیت‌الله سید محمدهادی میلانی (۱۲۷۳-۱۳۵۴ش) با ارائه رویکردی متمایز در بهره‌گیری از قرآن، گامی بلند در فعال‌سازی ظرفیت‌های تفسیری این کتاب الهی در استنباط فقهی برداشته است. ایشان با تأکید بر حجیت ظواهر آیات، تحلیل سیاق و شأن نزول، و تطبیق ساختاری آیات با روایات معصومین (علیهم‌السلام)، الگویی نوآورانه و متوازن عرضه داشته‌اند که ضمن وفاداری به سنت فقهی امامیه، قرآن را به محور اصلی استنباط تبدیل می‌کند

روش‌شناختی رویکرد تفسیری با کمک تحلیل محتوای داده‌های استخراج‌شده، شناسایی و طبقه‌بندی گردید که شماری از مهم‌ترین آنها عبارتند از: حجیت ظواهر آیات، توجه به سیاق و شأن نزول، تطبیق آیات با روایات و نحوه مواجهه با تعارضات ظاهری میان آیات و احادیث.

در مرحله سوم، مؤلفه‌های به‌دست آمده با دیدگاه فقهای معاصر مقایسه شد و تفاوت‌ها و همانندی‌ها شناسایی گردید. معیارهای مقایسه، دربردارنده میزان و نحوه استناد به آیات قرآن، جایگاه روایات در فرایند اجتهاد و سطح بهره‌گیری از ساختارهای تفسیری مانند سیاق بود.

### ۱. نقش قرآن در فقه شیعه

قرآن کریم در فقه شیعه جایگاهی بی‌بدیل و ریشه‌ای دارد و به‌عنوان نخستین منبع تشریح، در کنار سنت، عقل و اجماع، چهار رکن اصلی استنباط احکام شرعی را شکل می‌دهد.<sup>۷</sup> این کتاب الهی نه تنها مبنای تولید حکم فقهی به‌شمار می‌آید، بلکه کارکردی معیارگونه نیز دارد؛ به‌گونه‌ای که در موارد تعارض یا تردید میان منابع، به‌مثابه مرجع نهایی برای سنجش اعتبار روایات و دیگر منابع به کار

گرفته می‌شود.

جایگاه ارزیابانه قرآن در فقه، بر پایه روایاتی موسوم به «روایات عرضه» تثبیت شده است. این روایات که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام نقل شده‌اند، بر لزوم عرضه روایات بر قرآن برای ارزیابی صحت آنها تأکید دارند. بر اساس این روایات، هر حدیثی که با ظاهر قرآن در تعارض باشد، باید طرد شود.<sup>۸</sup>

با وجود این جایگاه بلند و بی‌بدیل، بهره‌گیری مستقیم از قرآن در فرایند اجتهاد، همواره با ملاحظات همراه بوده است. دشواری‌هایی مانند تشخیص دقیق مراد آیات الاحکام، تعیین حدود

حجیت ظواهر، شناخت دقیق سیاق و فضای نزول آیات و ضرورت تفسیر آیات توسط معصومان علیهم السلام، از جمله عواملی هستند که سبب شده‌اند بسیاری از فقها در مراجعه مستقیم به آیات قرآن جانب احتیاط را رعایت کنند.

با این حال، برخی فقها مانند مرحوم میلانی کوشیده‌اند ضمن وفاداری به چارچوب اجتهادی امامیه، از ظرفیت‌های مغفول قرآن در استنباط فقهی بهره‌برداری فعال‌تری داشته باشند.

در حوزه روش‌شناسی فقهای شیعه، آثار تحلیلی متعددی به مطالعه رویکرد اجتهادی فقهای چون شیخ انصاری و آیت‌الله خویی پرداخته‌اند. از جمله، آیت‌الله معرفت در التفسیر و المفسرون نشان داده است که این دسته از فقها، با وجود استفاده از قرآن، نقشی تعیین‌کننده برای روایات قائل بوده‌اند. همچنین، علامه طباطبایی در تفسیر گران‌سنگ المیزان فی تفسیر القرآن، با تکیه بر سیاق‌گرایی و تفسیر قرآن به قرآن، الگویی تفسیری ارائه داده است که خارج از دایره استنباط فقهی مستقیم قرار می‌گیرد

در منظومه اجتهاد فقهی است. ایشان با تأکید بر حجیت ظواهر آیات، تحلیل سیاق، و ارتباط سنجی دقیق میان آیه و سنت، الگویی از تفسیر فقهی عرضه می‌کند که ضمن وفاداری به سنت اصولی امامیه، از وابستگی کامل به روایات فاصله می‌گیرد. در ادامه برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های روش تفسیری آیت‌الله میلانی بررسی می‌شوند.

## ۱-۲. تأکید بر حجیت ظواهر

### آیات قرآن

از منظر آیت‌الله میلانی، ظواهر آیات الاحکام حجیت تام دارند و مجتهد باید در نخستین گام، استنباط خود را بر مبنای این ظواهر استوار سازد، مگر آن که قرینه قطعی مخالف وجود داشته باشد. این نگاه، برآمده از مبانی اصولی شیعه درباره حجیت ظواهر قرآن است؛ نگاهی که فقهای چون آخوند خراسانی، مظفر و نایینی نیز بر آن اصرار داشته‌اند.<sup>۱۰</sup> در برابر این نگاه، اخباریون به دلیل آن که ظواهر آیات را مفید قطع به حکم واقعی نمی‌دانند، حجیت آنها را انکار می‌کنند.<sup>۱۱</sup>

به‌عنوان نمونه، آیت‌الله میلانی در تفسیر آیه ﴿أَقِمْوَا الصَّلَاةَ﴾ (بقره/۴۳) صیغه امر را دال بر وجوب اقامه نماز می‌داند و تأکید می‌کند که این ظهور، تا زمانی که دلیلی

قرآن کریم در فقه شیعه جایگاهی بی‌بدیل و ریشه‌ای دارد و به‌عنوان نخستین منبع تشریح، در کنار سنت، عقل و اجماع، چهار رکن اصلی استنباط احکام شرعی را شکل می‌دهد. این کتاب الهی نه تنها مبنای تولید حکم فقهی به‌شمار می‌آید، بلکه کارکردی معیارگونه نیز دارد؛ به‌گونه‌ای که در موارد تعارض یا تردید میان منابع، به‌مثابه مرجع نهایی برای سنجش اعتبار روایات و دیگر منابع به کار گرفته می‌شود.

ایشان قرآن را نه‌تنها منبعی تأییدی برای روایات، بلکه منبعی مستقل، اصیل و واجد توانمندی اجتهادی می‌دانند. رویکرد ایشان، که در آثار فقهی چون محاضرات فی الفقه الجعفری بازتاب یافته است، بر حجیت ظواهر آیات، تحلیل سیاقی، توجه به شأن نزول و تفسیر روایی استوار است.<sup>۹</sup> چنین نگاهی، نمایانگر بعد قرآنی حیات علمی آیت‌الله میلانی و تلاش سیستمی ایشان جهت احیای نقش

مستقل قرآن در فرآیند اجتهاد فقهی در دوران معاصر است..

## ۲. شاخص‌های رویکرد تفسیری آیت‌الله میلانی در استنباط فقهی از قرآن

آیت‌الله میلانی از شمار فقهای است که با تسلط بر قرآن کریم، سنت معصومین (علیهم‌السلام)، و اصول فقه، رویکردی فعال و متفاوت در بهره‌گیری از آیات قرآن در استنباط فقهی ارائه داده است. ویژگی کلیدی این رویکرد، باور به ظرفیت مستقل و مؤثر قرآن در تولید احکام شرعی است؛ برخلاف برخی دیگر از فقها که نقش قرآن را تنها تأییدی یا زمینه‌ساز در کنار روایات تلقی می‌کنند.

به باور آیت‌الله میلانی، قرآن کریم نه‌تنها منبعی اولیه، بلکه عنصری بنیادین

معتبر برخلاف آن در دست نباشد، قابل استناد است.<sup>۱۳</sup>

تأکید نویسندۀ محاضرات، نشان می‌دهد که ایشان تلاش دارد از متن قرآن به‌عنوان منبعی فعال، مستقیم و مقدم بر تحلیل‌های روایی بهره‌برداری کند و از این‌رو، سهمی اصیل و مستقل برای قرآن در نظام فقهی قائل است.

### ۲-۲. تطبیق آیات با روایات معصومین علیهم‌السلام

مؤلفه دوم، رویکرد تفسیری آیت‌الله میلانی، تأکید بر هم‌نشینی متوازن قرآن و سنت از طریق تطبیق ساختاری و محتوایی آیات قرآن با روایات است. از منظر ایشان، ظواهر آیات الاحکام دارای حجیت مستقل هستند و می‌توانند مبنای ابتدایی استنباط قرار گیرند، هر چند فهم نهایی و ژرف آیات، به‌ویژه در حوزه‌های تفصیلی فقهی، تنها با تفسیر معصومان علیهم‌السلام کامل می‌شود.

این نگاه، در روایات متعدد درباره مرجعیت علمی اهل‌بیت علیهم‌السلام در تبیین معارف قرآنی از

جمله روایت «ما خالف کتاب

الله فهو زخرف»<sup>۱۳</sup> و روایت «إِنَّمَا

يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطَ بِهِ»<sup>۱۴</sup>

ریشه دارد. چه این که روایت

نخست، احادیث ناسازگار با

قرآن را بی‌اعتبار معرفی می

کند و روایت دوم فهم حقیقی

قرآن را نزد مخاطبان مستقیم

آیات می‌داند.

بر این اساس، آیت‌الله

میلانی در گام نخست بر ظاهر آیات تمرکز می‌کند و در گام دوم با مراجعه به روایات

معتبر به تطبیق و تأیید نهایی ظاهر آیه

در پرتو سنت معصومان می‌پردازد و این

تطبیق نه به معنای تقلیل نقش قرآن،

بلکه تلاشی جهت تکمیل فهم قرآن در پرتو

روایت معتبر است. برای نمونه، در تفسیر آیه

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ

بِهَا﴾ (توبه/۱۰۳)، از ظهور آیه در وجوب زکات

می‌گوید و از روایات جهت تفصیل شرایط

پرداخت زکات، انواع اموال مشمول زکات و

مصارف آنها بهره می‌گیرد.<sup>۱۵</sup>

در مجموع، نویسندۀ مجموعه محاضرات،

نه همچون برخی اصولیان، تنها در موارد

تعارض به روایت رجوع می‌کند و نه

همچون ظاهرگرایان، قرآن را از سنت بی‌نیاز

می‌بیند، بلکه با رویکردی مکمل‌گرا و

تبیینی، به وحدت معنایی و تفسیری قرآن و

سنت معتقد است؛ وحدتی که فهم فقهی را

از سطح ظواهر به سطح مقاصد و دلالت‌های

نهایی سوق می‌دهد.

### ۲-۳. مرکزیت آیات الاحکام

#### در فقه

سومین مؤلفه رویکرد

تفسیری آیت‌الله میلانی، تمرکز

بنیادین بر آیات الاحکام به

عنوان مبنای نخست استنباط

فقهی است. برخلاف برخی

دیدگاه‌ها که نقش قرآن را

به کلیات، اخلاقیات و عقاید

مرحوم میلانی کوشیده‌اند ضمن وفاداری به چارچوب اجتهادی امامیه، از ظرفیت‌های مفعول قرآن در استنباط فقهی بهره‌برداری فعال‌تری داشته باشند. ایشان قرآن را نه تنها منبعی تأییدی برای روایات، بلکه منبعی مستقل، اصیل و واجد توانمندی اجتهادی می‌دانند

و با بهره‌گیری از روایات، مصادیق آن را تبیین می‌نماید.<sup>۱۷</sup>

رویکرد آیت‌الله میلانی نه تنها از جایگاه بلند قرآن در دستگاه اجتهادی ایشان حکایت دارد، بلکه به‌عنوان مرجع اصلی در تولید حکم شرعی در نظر گرفته می‌شود و اصالت قرآنی فقه شیعه را احیا کرده و ظرفیت‌های مغفول این منبع الهی را در پاسخ‌گویی به نیازهای فقه معاصر فعال می‌سازد.

## ۴-۲. نقش سیاق و شأن نزول در فهم

### فقهی آیات

یکی از مؤلفه‌های متمایز در رویکرد تفسیری آیت‌الله میلانی، توجه نظام‌مند به سیاق و شأن نزول آیات قرآن در فرآیند استنباط فقهی است. از منظر ایشان، فهم دقیق و معتبر از معنای فقهی آیات، تنها در صورتی ممکن است که بافت زبانی آیه، جایگاه آن در ساختار سوره و فضای تاریخی و اجتماعی نزول مورد توجه قرار گیرد و رویکرد سطحی و انتزاعی به آیات، زمینه‌ساز سوءفهم و تحریف معنای فقهی آیات می‌گردد.

برای نمونه در تفسیر آیه ﴿وَأَنذَرْتُكُمْ يَوْمَ حَصَادِهِ﴾ (انعام/۱۴۱) سیاق پیشینی و پسینی آیه را مورد بررسی قرار می‌دهد و مدلول آیه را وجوب پرداخت زکات از محصولات زراعی معرفی می‌کند و آیه را در مقام توصیه اخلاقی یا بیان استحباب نمی‌بیند.<sup>۱۸</sup>

در تحلیل آیه ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ (بقره/۱۹۶) نیز سیاق و ترتیب نزول آیات

محدود می‌کنند، آیت‌الله میلانی شمار بسیاری از آیات قرآن را به‌صورت صریح یا ضمنی دربردارنده احکام شرعی می‌داند و به‌صورت مستقیم در فرایند فقهی از آنها بهره می‌گیرد.

از منظر ایشان، آیات الاحکام دربردارنده مجموعه‌ای از آیات قرآن است که به حوزه‌هایی چون عبادات، معاملات، حدود، انفال، ارث، قصاص، و اموال عمومی پرداخته‌اند. این آیات که در منابع اصولی بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ آیه برآورد می‌شوند، به باور آیت‌الله میلانی باید در مرکز منظومه استنباطی فقیه قرار گیرند و سنت، در جایگاه مفسر و مکمل قرآن نقش‌آفرینی کند، نه جانشین یا بدیل آن.

در آثار فقهی آیت‌الله میلانی، به ویژه کتاب محاضرات فی الفقه الجعفری، این رویکرد به خوبی انعکاس یافته است. ایشان در تحلیل‌های فقهی، با استخراج دقیق دلالت‌های آیات الاحکام و تطبیق آنها با روایات معتبر، به تبیین احکام شرعی می‌پردازد. به‌عنوان نمونه، در بحث حج، آیه ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ (آل عمران/۹۷) را مبنای قرآنی وجوب حج می‌داند و شروط استطاعت، مانند توانایی جسمی، مالی و امنیتی را از روایات معتبر استخراج می‌کند.<sup>۱۶</sup>

در حوزه معاملات نیز، آیات ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ﴾ (بقره/۲۷۵) و ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ﴾ (نسا/۲۹)، را به‌عنوان مبنای قرآنی مشروعیت یا حرمت معاملات قرار می‌دهد

مرتبط با احکام حج را در نظر می‌گیرد و آیه را ناظر به لزوم انجام کامل مناسک حج در برابر رفتارهای ناقص و جاهلانه عصر نزول می‌داند.<sup>۱۹</sup> بر این اساس، سیاق و شأن نزول در رویکرد تفسیری آیت‌الله میلانی، نه ابزارهای جانبی بلکه عناصر اصلی برای رسیدن به مقصود فقهی آیات به‌شمار می‌آیند.

## ۵-۲. مواجهه تفسیری با تعارض ظاهری آیات و روایات

یکی از چالش‌های مکرر در

فرآیند استنباط فقهی، تعارض ظاهری میان دلالت آیات قرآن و مفاد برخی روایات فقهی است. اصولیان امامیه برای مواجهه با این وضعیت، قواعدی همچون «تقدیم نص بر ظاهر»، «تقدیم قرآن بر خبر واحد»، و «قاعده حمل عام بر خاص» را بنیان نهاده‌اند. با این حال، شیوه به‌کارگیری این قواعد و میزان تقدم قرآن یا روایت، نزد فقها یکسان نبوده است.

آیت‌الله میلانی در چارچوب رویکرد تفسیری خود، با این تعارضات به‌گونه‌ای روشمند، متعادل و قرآن‌محور مواجه می‌شود. ایشان اولویت را به دلالت ظاهری آیات قرآن می‌دهد و تنها در صورتی به روایت استناد می‌کند که یا مؤید ظاهر قرآن باشد، یا تعارض آن با قرینه قطعی

از منظر آیت‌الله میلانی، ظواهر آیات الاحکام حجیت تام دارند و مجتهد باید در نخستین گام، استنباط خود را بر مبنای این ظواهر استوار سازد، مگر آن که قرینه قطعی مخالف وجود داشته باشد. این نگاه، برآمده از مبنای اصولی شیعه درباره حجیت ظواهر قرآن است؛ نگاهی که فقهای چون آخوند خراسانی، مظفر و نایینی نیز بر آن اصرار داشته‌اند

رفع شود. در غیر این صورت، روایت یا تأویل می‌گردد یا از اعتبار ساقط می‌شود؛ مطابق با روایات عرضه که ملاک سنجش روایت را تطابق با قرآن می‌دانند.

برای نمونه در تفسیر آیه قصاص ﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالْنَفْسِ...﴾ (مائده/۴۵)، آیه را دال بر وجوب قصاص در قتل عمد می‌شناسد و روایات جواز دریافت دیه را نه‌ناسخ یا معارض ظاهر آیه بلکه ناظر به موارد خاص یا شرایط استثنایی می‌داند.<sup>۲۰</sup>

در نمونه‌های دیگر در مسئله شهادت زنان، آیه ﴿فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ...﴾ (بقره/۲۸۲) را دال بر حجیت شهادت زنان در شرایط خاص تلقی می‌کند و روایات بی‌اعتباری شهادت زنان را ناظر به حوزه‌های خاص مانند حدود یا امور خاص تلقی می‌کند.<sup>۲۱</sup>

در مجموع، آیت‌الله میلانی این اصل را دنبال می‌کند که قرآن، معیار نهایی در حل تعارضات فقهی است و روایات تنها در صورت هماهنگی با قرآن، نقش تبیینی دارند. چنین منطقی، ایشان را در جایگاه فقهی قرار می‌دهد که نه تنها از قرآن الهام می‌گیرد، بلکه آن را مرجع تفسیری نهایی و تعیین‌کننده در مواجهه با اختلافات روایی می‌داند.

نصاب سرقت، مکان ارتکاب، یا نبود شبهه در اموال.<sup>۳۳</sup>

این تعامل فعال میان قرآن و سنت، رویکرد آیت‌الله میلانی را به الگویی متوازن، کاربردی و قابل توسعه در اجتهاد فقهی معاصر تبدیل کرده است؛ الگویی که نه گرفتار ظاهرگرایی می‌شود و نه در روایت‌محوری محض فرو می‌رود، بلکه با نگاهی ساختاری و تفسیری، از هم‌افزایی میان نص و روایت برای تولید حکم شرعی بهره می‌برد.

#### ۷-۲. نمونه‌های کاربرد تفسیری قرآن در

##### فقه آیت‌الله میلانی

آیت‌الله میلانی با بهره‌مندی از تسلط عمیق بر قرآن کریم و سنت معصومان (علیهم‌السلام)، فرآیند استنباط فقهی، قرآن را نه تنها منبعی الهام‌بخش، بلکه مبنای اصلی و مستقل در صدور حکم شرعی می‌داند. ایشان در بسیاری از ابواب فقه، از جمله عبادات، به ویژه نماز، زکات و حج، با تکیه بر آیات الاحکام و تحلیل تفسیری آنها، حکم شرعی را استخراج کرده و در پرتو روایات، آن را تکمیل و تبیین می‌کند. در ادامه، به برخی نمونه‌های عملی از این شیوه اشاره می‌کنیم:

#### ۱-۷-۲. نماز

آیت‌الله میلانی در باب نماز، آیه **﴿أَقِمْوا الصَّلَاةَ﴾** (بقره/۴۳) را مبنای قرآنی

#### ۶-۲. ترکیب تبیینی قرآن و سنت در استنباط

یکی دیگر از مؤلفه‌های رویکرد تفسیری مرحوم میلانی، ترکیب روش‌مند قرآن و سنت به عنوان دو منبع مکمل در فرآیند استنباط فقهی است. ایشان با پرهیز از نظریه قرآن بسندگی، بر آن است که قرآن کریم، محور بنیادین تشریح است و سنت معصومان (علیهم‌السلام) در جایگاه مفسر، مبین و تکمیل‌کننده آن عمل می‌کند. بر این اساس، هیچ یک از این دو منبع، به تنهایی برای استنباط کافی نیست و تنها در چارچوب تعامل و تفسیر متقابل است که می‌توان به فقهی معتبر و جامع دست یافت.<sup>۳۴</sup>

این نگاه ترکیبی، اگرچه از نوآوری‌های رویکرد فقهی آیت‌الله میلانی به‌شمار می‌آید، در نظام استدلالی اجتهاد شیعه ریشه دارد؛ نظامی که هم از افراط در اکتفا به ظاهر قرآن می‌پرهیزد و هم از تفریط در وابستگی مطلق به روایات دوری می‌کند.

برای نمونه در بحث اجرای حد سرقت، آیه **﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾** (مائده/۳۸) را مبنای قرآنی اجرای حکم قرار می‌دهد و در عین حال، با بهره‌گیری از روایات معتبر، شرایط تحقق جرم و قیود شرعی مرتبط با آن را تبیین می‌کند؛ مانند

سومین مؤلفه رویکرد تفسیری آیت‌الله میلانی، تمرکز بنیادین بر آیات الاحکام به عنوان مبنای نخست استنباط فقهی است. برخلاف برخی دیدگاه‌ها که نقش قرآن را به کلیات، اخلاقیات و عقاید محدود می‌کنند، آیت‌الله میلانی شمار بسیاری از آیات قرآن را به صورت صریح یا ضمنی در بردارنده احکام شرعی می‌داند و به صورت مستقیم در فرآیند فقهی از آنها بهره می‌گیرد

و جوب اقامه نماز می‌داند و از ساختار امری آیه، و جوب نماز را نتیجه می‌گیرد. ایشان ضمن تحلیل سیاق آیه و بررسی جایگاه آن در مجموعه آیات سوره، با تطبیق این دلالت با روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، شرایط صحت نماز نظیر طهارت، رعایت اوقات، و ترتیب اقامه را تبیین می‌کند.<sup>۲۴</sup>

ایشان در تحلیل آیه ﴿خَافُظُوا عَلَی الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾ (بقره/۲۳۸) نیز، بر لزوم محافظت بر اوقات نماز و اهتمام ویژه به «صلاة وسطی» تأکید می‌ورزد و با بهره‌گیری از روایات، ابعاد معنایی «محافظت» از نماز را از جمله رعایت ترتیب، مواظبت زمانی و کیفیت اقامه تفسیر می‌کند.<sup>۲۵</sup>

این رویکرد، نمونه‌ای روشن از ترکیب هدف مند ظاهر آیه با تفسیر روایی برای استخراج دقیق حکم فقهی در حوزه عبادات است.

### ۲-۷-۲. زکات

در موضوع زکات نیز آیت‌الله میلانی بر آن است که وجوب این فریضه، هم مستند قرآنی دارد و هم ابعاد تربیتی و اجتماعی آن در آیات به روشنی بیان شده است. ایشان آیه ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ (توبه/۱۰۳) را نشان‌دهنده وجوب مالی زکات و نقش معنوی آن در تزکیه نفس و پالایش اجتماعی

می‌داند.<sup>۲۶</sup>

همچنین در تفسیر آیه ﴿وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ﴾ (انعام/۱۴۱)، با توجه به سیاق آیات و شأن نزول، بر وجوب پرداخت زکات محصولات زراعی هنگام برداشت تأکید می‌کند و با رجوع به روایات، مصارف زکات و شرایط استحقاق آن را تبیین می‌نماید.<sup>۲۷</sup> این موارد نشان می‌دهند که آیت‌الله میلانی نه تنها از آیات قرآن برای صدور حکم فقهی بهره می‌گیرد، بلکه از طریق ترکیب ساختاری با سنت معتبر، آنها را به الگوهای عملی و منسجم در نظام فقهی شیعه تبدیل می‌کند.

### ۲-۷-۳. حج

در باره حج، آیت‌الله میلانی آیه ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ (آل عمران/۹۷) را مبنای قرآنی وجوب حج بر فرد مستطیع می‌داند. ایشان با استناد به ظهور آیه در افاده وجوب، شرط استطاعت را ناظر به توانایی مالی، جسمی و امنیت مسیر دانسته است و با رجوع به روایات، تفصیل این شرایط را بیان می‌کند.<sup>۲۸</sup> به باور ایشان، ظاهر آیه وجوبی است و روایت، دامنه و قیود آن را مشخص می‌سازد.

ایشان در تفسیر آیه ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾

یکی از مؤلفه‌های متمایز در رویکرد تفسیری آیت‌الله میلانی، توجه نظام‌مند به سیاق و شأن نزول آیات قرآن در فرآیند استنباط فقهی است. از منظر ایشان، فهم دقیق و معتبر از معنای فقهی آیات، تنها در صورتی ممکن است که بافت زبانی آیه، جایگاه آن در ساختار سوره و فضای تاریخی و اجتماعی نزول مورد توجه قرار گیرد و رویکرد سطحی و انتزاعی به آیات، زمینه‌ساز سوء فهم و تحریف معنای فقهی آیات می‌گردد.



معاملات ربوی، غرری، و فاسد. وی همچنین بر لزوم رعایت عدالت و انصاف در مبادلات مالی تأکید دارد و آن را مقتضای روح آیه می‌داند.<sup>۳۱</sup>

این نمونه‌ها نشان می‌دهد آیت‌الله میلانی قادر است با تکیه بر ظاهر آیات و هماهنگ‌سازی آن با روایت، احکام جزئی و تفصیلی را از مفاهیم کلی قرآنی استخراج کند؛ امری که وجه برجسته اجتهاد قرآنی ایشان را به نمایش می‌گذارد.

### ۸-۲. حدود

در حوزه احکام کیفری و حدود، آیت‌الله میلانی قرآن را مبنای نخستین برای تشریح مجازات‌های شرعی می‌داند و در عین حال، با دقت و احتیاط علمی، روایات معتبر را به‌مثابه ابزار تبیینی برای تعیین قیود و شروط اجرای حدود به کار می‌گیرد. ایشان در تحلیل آیه ﴿وَالشَّارِقُ وَالشَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾ (مائده/ ۳۸)، بر آن است که دلالت آیه بر وجوب اجرای حد سرقت، مطلق نیست و باید در چارچوب قیودی فهمیده شود که قرآن و سنت کنار هم تعیین کرده‌اند.

بر این اساس، ایشان اجرای حد را مشروط به تحقق شرایطی چون عمد، آگاهی، عدم اضطرار، و رسیدن مقدار مال مسروقه به نصاب شرعی می‌داند. این قیود، به ویژه با استناد به روایات معتبر اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، در استنباط فقهی ایشان تثبیت شده است.<sup>۳۲</sup>

(بقره/ ۱۹۶)، بر لزوم اتمام تمام مناسک حج و عمره تأکید دارد و با تحلیل سیاق آیات مرتبط، و نیز بهره‌گیری از روایات معتبر، احکام مربوط به ترتیب، کیفیت و احیاناً زمان‌بندی اجرای مناسک را استخراج می‌کند.<sup>۲۹</sup> این نمونه‌ها، نمایانگر رویکرد تفسیری-تطبیقی ایشان در تلفیق ساختاری قرآن و سنت برای استنباط دقیق و کاربردی احکام حج است.

### ۴-۷-۲. معاملات

در حوزه فقه معاملات، آیت‌الله میلانی، قرآن را مبنای اولیه مشروعیت یا حرمت معاملات می‌داند. آیه ﴿أَحَلَّ اللَّهُ التَّيْبِعَ﴾ (بقره: ۲۷۵) به‌عنوان تصریح قرآنی بر جواز اصل خرید و فروش، در نظر گرفته شده است و ایشان با استناد به این آیه، اصل مشروعیت معاملات را اثبات کرده است و با تکیه بر روایات، شرایط صحت آن مانند رضایت طرفین، طهارت مال، و اجتناب از ربا را تبیین می‌کند.<sup>۳۰</sup>

افزون بر این، آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ﴾ (نسا/ ۲۹) از منظر ایشان، دال بر حرمت معاملات باطل است. با تحلیل سیاق این آیه و بررسی مفهومی واژه «باطل»، آیت‌الله میلانی مصادیق آن را در پرتو روایات تفسیر می‌کند؛ از جمله

آیت‌الله میلانی با بهره‌مندی از تسلط عمیق بر قرآن کریم و سنت معصومان (علیهم‌السلام)، در فرآیند استنباط فقهی، قرآن را نه تنها منبعی الهام‌بخش، بلکه مبنای اصلی و مستقل در صدور حکم شرعی می‌داند. ایشان در بسیاری از ابواب فقه، از جمله عبادات، به ویژه نماز، زکات و حج، با تکیه بر آیات الاحکام و تحلیل تفسیری آنها، حکم شرعی را استخراج کرده و در پرتو روایات، آن را تکمیل و تبیین می‌کند.

از نگاه ایشان، ظاهر آیه اصل حکم را بیان می‌کند، اما روایت، زمینه و محدوده اجرای آن را مشخص می‌سازد.

آیت‌الله میلانی بر آن است که تفسیر آیات حدود بدون استناد به سنت معصومان علیهم‌السلام، ممکن است به افراط یا تفریط در اجرای احکام منجر شود. به همین دلیل، روایات را نه تنها تکمیل‌کننده حکم قرآنی، بلکه ضامن اعتدال و انضباط شرعی در اجرای حدود می‌داند. به تعبیر ایشان، بی‌توجهی به روایات، یا منجر به سخت‌گیری‌های ناروا می‌شود یا به تسامح‌های غیرمجاز می‌انجامد.<sup>۳۳</sup>

این نمونه، روش اجتهادی متوازن آیت‌الله میلانی را در پرهیز از استناد سطحی به آیات کیفری و تأکید بر مرجعیت هم‌زمان قرآن و سنت در موضوعات حساس کیفری به خوبی نشان می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

رویکرد تفسیری آیت‌الله میلانی در کاربرد قرآن در فقه، نمونه‌ای کم‌سابقه و روش‌مند از بازگشت فعالانه به آیات قرآن در فرآیند اجتهاد شیعی است. این پژوهش با تمرکز بر شاخص‌های تفسیری مانند تأکید بر ظواهر آیات، تحلیل سیاق، توجه به شأن نزول، حل تعارض آیات و روایات، و ترکیب ساختاری قرآن و سنت، نشان داد که آیت‌الله میلانی به جای برخورد نمادین با آیات الاحکام، قرآن را در محور منظومه استنباطی خود قرار داده است.

یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که وی، با روشی تفسیرمحور، از ظرفیت‌های درونی قرآن برای صدور حکم فقهی بهره می‌برد و در عین حال، سنت معصومان علیهم‌السلام را در نقش تبیین‌گر، مفسر و هدایت‌گر به کار می‌گیرد؛ نه بدیل یا رقیب قرآن. این نگاه، در تحلیل احکام فقهی مانند نماز، زکات، حج، معاملات و حدود، آشکارا دیده می‌شود و نشان می‌دهد که آیت‌الله میلانی در عمل نیز توانسته است روش تفسیری خود را به عرصه استنباط جزئیات فقهی وارد کند.

نوآوری این پژوهش در آن است که برای نخستین بار، رویکرد تفسیری آیت‌الله میلانی به‌صورت نظام‌مند، با تمرکز بر شاخص‌های روش‌شناختی و نمونه‌های کاربردی بررسی شده است. در حالی که بیشتر پژوهش‌ها به بررسی جایگاه کلی قرآن در فقه یا تحلیل رویکرد اصولی برخی فقها پرداخته‌اند، این مقاله با تحلیل آثار فقهی ایشان، به‌ویژه محاضرات فی الفقه الجعفری، تبیینی دقیق از اجتهاد قرآنی در بستر سنت فقهی امامیه ارائه می‌دهد.

بدین ترتیب مشخص می‌شود مدل اجتهادی آیت‌الله میلانی، واجد ظرفیتی واقعی برای بازتعریف رابطه قرآن و فقه در حوزه اجتهاد معاصر است. این رویکرد می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای فقهای معاصر باشد تا ضمن حفظ چارچوب‌های اصولی، از ظرفیت‌های تفسیری قرآن در مواجهه با مسائل نوپدید بهره‌مند شوند.

۱. محمدرضا مظفر، أصول الفقه.
۲. جعفر سبحانی، الطاف الرحمن فی فقه القرآن.
۳. محمد یزدی، فقه القرآن.
۴. محمدهادی معرفت، التفسیر و المفسرون.
۵. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن.
۶. سید علی حسینی میلانی، زندگینامه و آثار آیت الله میلانی.
۷. محمدرضا مظفر، أصول الفقه، ص ۴۰۹.
۸. احمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۱؛ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۶۹؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۱۰.
۹. سید محمدهادی میلانی، محاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۱، ص ۳۰؛ همان، ج ۲، ص ۴۵.
۱۰. محمدرضا مظفر، اصول الفقه، ص ۴۸۷.
۱۱. استرآبادی، الفوائد المدنیه، ص ۱۰۴.
۱۲. سید محمدهادی میلانی، محاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۲، ص ۴۵.
۱۳. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۶۹.
۱۴. همان، ج ۸، ص ۳۱۲؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۸۵.
۱۵. میلانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۹۸.
۱۶. میلانی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۶۰.
۱۷. میلانی، محاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۵، ص ۱۲۳.
۱۸. همان، ج ۳، ص ۹۸.
۱۹. همان، ج ۴، ص ۶۲.
۲۰. همان، ج ۶، ص ۸۱.
۲۱. همان، ج ۷، ص ۲۱.
۲۲. همان، ج ۱، ص ۴۵.
۲۳. همان، ج ۶، ص ۸۰.
۲۴. همان، ج ۲، ص ۴۵.
۲۵. همان، ج ۲، ص ۵۰.
۲۶. میلانی، محاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۳، ص ۹۸.
۲۷. همان.
۲۸. همان، ج ۴، ص ۶۰.
۲۹. همان.
۳۰. همان، ج ۵، ص ۱۲۳.
۳۱. همان، ج ۵، ص ۱۲۳.
۳۲. همان، ج ۶، ص ۸۰.
۳۳. همان.

## منابع

- \* قرآن کریم
۱. استر آبادی، محمد امین، الفوائد المدنیه و الشواهد المکیه؛ تحقیق رحمه الله رحمتی اراکی، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۴ق.
  ۲. برقی، احمد، المحاسن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰.
  ۳. بروجردی، سید حسین، تقریرات درس خارج فقه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰.
  ۴. بروجردی، سید حسین، نهیة الوصول إلى علم الأصول (تقریرات)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰.
  ۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۶۹.
  ۶. حر عاملی، وسائل الشیعه، قم: آل البيت، ۱۴۰۴.
  ۷. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
  ۸. خمینی، سید روح الله، کتاب البیع (درس خارج فقه)، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۲.
  ۹. خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی، ۱۳۷۲.
  ۱۰. سبحانی، جعفر، الطاف الرحمن فی فقه القرآن، قم: مؤسسه امام صادق، ۱۳۹۸.
  ۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳.
  ۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق غفاری، قم: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳.
  ۱۳. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی: فقه و اصول، تهران: صدرا، ۱۳۶۲.
  ۱۴. مظفر، محمدرضا، أصول الفقه، تحقیق سبزواری، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
  ۱۵. معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون، مشهد، جامع الرضویه للعلوم الاسلامیه، ۱۴۱۸ق.
  ۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه (مقدمه جلد ۱)، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۸۰.
  ۱۷. میلانی، سید علی، زندگینامه و آثار آیت الله میلانی، قم: مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر، ۱۳۸۸.
  ۱۸. میلانی، سید محمدهادی، تقریرات درس خارج فقه، قم: مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر، ۱۳۸۵.
  ۱۹. میلانی، سید محمدهادی، محاضرات فی الفقه الجعفری، قم: مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر، ۱۳۹۰.
  ۲۰. یزدی، محمد، فقه القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۵.